

استنباطی از مفهوم حیات و مرگ انسان در قرآن مجید

دکتر محمود فرهودی *

بسم الله الرحمن الرحيم

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (قسمتی از آیه ۲۴ سوره مبارکه انفال)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خداوند و رسول او را اجابت کنید زیرا به اموری شما را فرا می‌خوانند که مایه (قوام و استحکام) حیاتتان است (تا به زندگی برتر دست یابید).

چون ما به طور مکرر با حیات و مرگ انسانها سر و کار داریم، در مورد این مفاهیم با استنباط از معانی در قرآن مجید بحث کوتاهی خواهیم داشت.

کلمه "حی" و "حیات" و مشتقات آن بیش از ۱۷۰ بار و کلمه "موت" و مشتقات آن بیش از ۱۶۰ بار در قرآن مجید ذکر شده است. از همین آیه سوره مبارکه انفال چنین استنباط می‌شود که

* دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

از دیدگاه قرآن مجید انسانهای از نظر جسمی زنده هنوز باید احیاء و زنده شوند و به زندگی برتر دست یابند. باید ببینیم آن معیارهای زنده شدن چیست؟ بدین

منظور آیه ۲ سوره مبارکه جمعه را مورد توجه قرار می‌دهیم که می‌فرماید: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ إِن كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: خداوند آن است که از بین توده مردم درس ناخوانده پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات حق را بر آنان تلاوت (و تفهیم) نماید (بدین طریق) آنها را از عقاید غلط و شرک‌آمیز

و اعمال ناروا باز دارد و به آنها خواندن و نوشتن و قرائت قرآن و حکمت الهی بیاموزد هر چند پیش از این در گمراهی آشکاری بودند.

و روحیه پژوهش را برای درک و شناخت حقیقت اشیاء و امور عالم در آنان برانگیزد و محتوی پیام و کتاب

الهی برای رشد و کمالشان و چگونگی قضاوت در مسائل و روشن بینی بر مبنای آن و جدا کردن حق از باطل «حکمت» بیاموزد.

و بدین ترتیب در این آیه شریفه تلاوت و تفهیم آیات الهی به مردم که موجب ایمان آوردن آنها به صدق آیات گردد تا دست از عقاید شرک و اعمال ناروا بردارند و به اعمال صالح روی آورند و نیز آموختن کتاب و نوشتن، به عنوان رسالت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد(ص) بیان شده است که همان عامل احیاء حیات فرد و جامعه است.

کتابت و قلم که موجب باز شدن دریچه نور آگاهی به مغز و دل انسان شده و به شکوفائی استعدادهای بالقوه موجود در هر فرد می‌انجامد، در اولین آیات نازل شده الهی به پیامبر جلیل‌القدر اسلامی محمد(ص) از طریق جبرئیل امین

(در غار حراء مکه) مورد تأکید خاص قرار گرفته است که:

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ.
الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ:
بخوان بنام پروردگارت که خلق کرد،
انسان را از علق آفرید، بخوان پروردگارت
که گرامی تر و بخشاینده تر است، آنکه
بشر را توسط قلم، خط و کتابت، علم و
آگاهی آموخت و به آنچه که
نمی دانست (از هدایت و کتاب و
صنعت) آگاه نمود آگاهی توأم با

اسلام (عمل به ایمان)

۲- عدم و آگاهی و انتقال آن از
طریق بیان و نوشتن که باید همراه و
توأم با اهداف الهی بوده تا سعادت خلق
را در پی داشته باشد (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ).

۳- اعتقاد به اینکه کلیه اعمال
آگاهانه انسان در لوح محفوظ الهی ثبت
شده و هر فرد مسئول و جوابگوی اعمال
و رفتار خود در زندگی دنیا، در پیشگاه
الهی و در روز بعث باید باشد.

۴- همه معتقدین به دین مبین اسلام
را برادران و خواهران دینی خود. در
حدودی که کتاب الهی، قرآن مجید تعیین
نمود دانسته و در مواقع ضروری از
«سبیل...» با مال و جان خود دفاع
نمودن.

۵- در مسائل و مشکلات اقتصادی
جامعه اسلامی نیز روحیه انفاق و کمک

داشتن و آگاهی از اینکه دادن قسمتی از
حاصل دسترنج خود در راه خیر و
به قصد ثواب و سعی در کاهش فقر،
نمودی از اعتقاد انسان مسلمان به
دستورات الهی بوده و از عوامل مهم بقاء
حیات اجتماعی است: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ
بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِنْ آيَاتِنَا
يُنْفِقُونَ. (آیه ۲، سوره مبارکه بقره).

۶- در مسائل غریزی پیوسته «حدود
... و تقوای الهی را در نظر داشتن و از
آن تجاوز نمودن.

بطور کلی حیات و مرگ در مفهوم
قرآنی دو معنای عمومی و اساسی دارد:

یکی مرگ و حیات جسمی انسان
است و مطابق آیات قرآن مجید بجز
خداوند که حی و قیوم دائم و
بی انتهاست، هیچ موجودی وجود ندارد
که خلق و متولد شود و مرگ برای او
وجود نداشته باشد و این موضوع را
صراحتاً به خود پیامبر عظیم الشان اسلام
بیان می کند که: انک میت و انتهم
میتون) آیه ۳۰، سوره مبارکه الزمر) تو
می میری و آنهاى دیگر نیز می میرند. اما
در جای دیگر خطاب به مؤمنین بیان
می فرماید: «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ
خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنَّ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى
عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ آ... شَيْئاً» (قسمتی از آیه
۱۴۳ سوره مبارکه آل عمران): و نیست
محمد مگر فرستاده ای از خداوند به

تحقیق که پیش از او نیز رسولانی
بوده اند آیا وقتی که بمیرد یا کشته شود
شما به عقب و گذشته تان برمی گردید و
هر کس به گذشته (و عقاید جاهلیت)
برگردد به خداوند ضرری نمی رساند بلکه
خود متضرر می گردد.
بدین ترتیب می فهمیم که با
درگذشت پیامبر عظیم الشان اسلام نیز
مفاهیم و ارزشهایی را که آن پیامبر از
طریق وحی به مردم عرضه داشته بقاء و
ادامه دارد و اساساً بعثت پیامبر
عظیم الشان اسلام برای بیان و القاء آن
ارزشهای الهی به مردم بوده است و هر
کس از مرد و یا زن هر چه بیشتر در
امتداد آن معیارهای ارزشی قرار گیرد و
نزدیکتر و متصف شود و جلوه های ایمان
به آن حقایق و دستورهای الهی در اعمال
و رفتار ظاهری و باطنی او نمودارتر
گردد و به سهم خود انعکاس آن نور و
ارزش شود بقاء بیشتری می یابد که «إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ آ... اتَّقِيكُمْ» (از آیه ۱۳
سوره مبارکه حجرات)، بدین ترتیب
می یابیم که آن بقاء، بقاء حقوقی و
معنوی و شخصیتی انسان است و دوری
و نزدیکی به آن نور و بقاء مطلق وابسته
به میزان دوری و نزدیکی وجودی و
باطنی انسان به محتوای نور مکتوبی
است که خداوند ارسال داشته، قرآن مجید
است و شخصیهایی مانند حضرت امام
خمینی قدس سره نمودارهای برجسته

چنین بقای انسانی هستند و ما معتقدیم که خداوند بار امانتی به انسان داده است و این بار امانت که وجه افتراق انسان با حیوان است همان ارزشهای الهی است که در او به‌ودیعه نهاده شده و وجود دارد.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. (آیه ۷۲، سوره مبارکه احزاب): ما بار امانت (صفات، خصوصیات و ارزشهایی که وجه ممیزه انسان از سایر موجودات است مانند قدرت تفکر و آزادی و نتایج حاصل از آن که منشأ تکالیفی است که انسان باید آن را جز در جهت دستورات الهی بکار نگیرد) به زمین و آسمان و کوهها عرضه داشتیم اما از حمل آن ابا نمودند و ترسیدند ولی انسان (پس از عرضه) آن را حمل کرد هر چند بواسطه عدم انجام صحیح آن دستورات (و عوارض آن) به خود ظلم کند و ارزش و عظمت این بار امانت را (بدرستی) نمی‌داند.

و می‌دانیم از نظر جسمی در ابعاد اساسی و زیادی انسان مشترک با موجودات دیگر است: وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (قسمتی از آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء) و ما هر موجود زنده‌ای را از آب خلق کردیم و یا هر موجودی را با آب زنده نگه می‌داریم. و این حقیقت



در حالت تعادل قرار داد و خوبی و بدی، فجور و تقوی را به آن نفس الهام و تفهیم کرد، هر کس آن را در جهت قوانین و دستورات الهی جهت دهد به فلاح و رستگاری می‌رسد و هر کس برخلاف دستورات الهی رفتار کند فطرت و ماهیت خود را به اختلال کشانیده و زیانکار می‌گردد و انسان باید استعدادها، خلاقیت و نیروهای درونی وجودش را در امتداد آن معیارهای ارزشی قرار دهد و نگاه دارد و هنگامی نیروهای موجود در جسم انسان مفید و محترم است که در امتداد آن معیارهای ارزشی که خالق هستی تعیین کرده جهت پیدا کند و از حدود و ثغوری که خداوند در قرآن مجید تعیین فرموده تجاوز نکند که در آن حالت ارزشهای انسانی زیر علامت سؤال می‌رود و در صورت انحراف شدید مستحق مجازات الهی نیز می‌گردد.

حیات و مرگ جسمی هر انسانی بعد از تولد در فاصله زمانی مختلف از روزها و ماهها و تا دهها سال ممکن است طول بکشد اما بالأخره می‌میرد.

ولی آیا جسمش هم مجدداً زنده می‌شود یا نه؟ در مفهوم قرآنی معتقدیم که بلی زنده خواهد شد و در این مورد نص قرآن مجید است که از زبان حضرت ابراهیم بیان می‌کند که: (وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِمُ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ

عظیمی که حیات بدون آب وجود ندارد بیش از ۱۴۰۰ سال قبل در قرآن ذکر شده است و با کشفیات و تکامل دانش بشری به هیچ وجه نفی نشده و قطعیت آن تثبیت شده است. همچنین حرکت، تغذیه، تولد و تناسل مشترک بین انسان و بسیاری از موجودات است، اما چه چیز متفاوت است؟ همان ارزشهای انسانی و پایه و مایه آن معیارهای ارزشی و حیات معنوی انسان نیز در ذات و خمیرمایه وجودی و جسمی انسان چه مرد و چه زن بودیعه نهاده شده و ادغام گردیده است و اساساً فلسفه خلقت و انسانیت انسان به آن نوع کیفیت و ترکیب وجودی است که در انسان موجود شده است و در سوره مبارکه " الشمس" آیات ۵ تا ۹ ذکر شده است (وَتَنفَسِ وَا مَا سَوَّيْهَا فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوِيهَا فَذَٰ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا) قسم به نفس و ذات انسانی و آنکه نیروهای مختلف را در وجود انسان ادغام کرد و

قَلْبِي) «قسمتی از آیه ۳۵۹ سوره مبارکه بقره»: هنگامیکه ابراهیم گفت: خداوند! به من بنمایان که چگونه مرده را زنده می‌کنی جواب داده شد که آیا ایمان نداری؟ ابراهیم گفت: چرا درخواستم برای این است که قلبم مطمئن شود. دستور می‌رسد که چهار پرنده را ذبح کن و هر تکه‌ای از آنها را بالای کوهی بگذار و آنها را فراخوان که به سرعت به سوی تو خواهند آمد. و در جواب آنها نیکه می‌گویند: وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ: برای ما مثلی زد (و موضوعی را مطرح نمود) و چگونگی خلقت خود را فراموش کرد و گفت: چه کسی استخوانهای خاک شده را زنده می‌کند؟ جواب داده می‌شود: قُلْ مَنْ يُحْيِي الَّذِينَ أَنْشَأَ اللَّهُ مِنْ مَرَّةٍ بَعْدَ مَرَّةٍ وَكَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ مَيِّتًا فَكَيْفَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَيَكْتُبُ مَا كَفَرْتُمْ وَتُمْسِكُونَ بِآيَاتِهِ كِبَارًا كَذِبًا: ما قَدَمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ (آیه ۱۱ سوره مبارکه یس) ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را که از قبل (اعمال خیر و شر) پیش فرستاده‌اند و آنچه از آثار عمل آنها بعد از درگذشتشان حاصل می‌شود به حساب آنها در کتاب روشن قرار می‌دهیم.

اما این بعثت مجدد چه وقت است آیا به هزاران و دهها میلیون سال بعد می‌رسد یا نه؟ زمان آن در قرآن مجید مشخص نشده است. ضمناً کسی حق ندارد انسانی دیگر را به ناحق و بیگناه بکشد که خداوند کشتن انسان را حرام کرده است و آن را تجاوز به حقوق و حیات همه انسانها می‌داند: مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (قسمتی از آیه ۳۱ سوره مبارکه مائده) و در مورد آنهایی که بناحق انسانی را می‌کشند مجازات و قصاص به مثل مقرر فرموده است و بیان می‌فرماید: وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاتٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (قسمتی از آیه ۱۷۸ سوره مبارکه بقره) و در قصاص برای شما زندگیست ای صاحبان خردها. و این بینش در روابط جهانی با ملت‌های دیگر نیز تعمیم داشته و توصیه شده است. و اگر کسانی در راه دفاع از ارزشهای الهی که شامل منافع درازمدت

حیات جامعه هم می‌شود شهید نیز شوند زنده هستند که: وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ: آنهایی که زندگی جسمیشان را در راه اهداف الهی از دست داده‌اند و به قتل رسیده‌اند مرده نپندارید بلکه آنها زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی دارند (آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل عمران). همچنین کسانی ممکن است از نظر جسمی زنده باشند اما: وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (قسمتی از آیه ۱۲ سوره مبارکه محمد(ص)) آنانکه کافر شده‌اند لذت جوئی می‌کنند و می‌خورند مانند چهارپایان ولی آتش (جهنم) سزای آنها است. و اینها از نظر شخصیت انسانی مرده هستند هر چند از نظر جسمی وجود دارند و بر عکس کسانی برای حفظ حیات و عقاید اسلامی جامعه مانند برادران مبارزمان در جریان جنگ تحمیلی و شهدای مکه به شهادت رسیده‌اند اما به زندگی جاوید دست یافته‌اند.

بنابراین معیارهای ارزشی حیات معنوی بر فطرت و ذات انسان بنا نهاده شده و با حیات جسمی او ادغام گردیده است اما بدان خاتمه نمی‌یابد و بر مبنای اعتقادی که داریم کتاب فطرت انسان برای همیشه زمان کتاب الهی قرآن مجید است که کاملترین کتاب الهی است. فاقم وجهک للذین حنیفاً فطرت ا... التي



فطر الناس عليها لاتبدیل لخلق... ذالک
الدين القيم و لكن اكثر الناس لايعلمون
(آیه ۳۰ سوره مبارکه روم): پس جهت
را به جانب دینی قرار ده که حق گرای
هست و خداوند فطرت و ذات انسان را
بر این دین خلق کرده است و در خلقت
خداوند تغییر و تبدیلی نیست و این دین
استوار است اما بسیاری از مردم بدان
آگاه نیستند، به سوی او بازگشت نمایید
و تقوا پیشه کنید و حدود و ثغور الهی
را رعایت نمایید. و این دین به ما
می گوید که باید به روز بعث و
بازپس دهی حساب معتقد باشیم، به
پیامبران الهی و رسالت حضرت
محمد(ص) به عنوان خاتم پیامبران و
محتوای قرآن که وحی بوده و حق است
معتقد باشیم. و از آن تبعیت نمایم هر
کس که باطن و وجدان خود را پیوسته
از درون این نور مکتوب الهی بگذراند و
جذب و کسب این نور نماید به سعادت
دنیا و آخرت و حیات برتر خواهد رسید
که: من عمل صالحا من ذکر او انشی و
هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبة ولنجزینهم
اجرهم باحسن ماکانوا یعملون (آیه ۹۷
سوره مبارکه نحل). هر کس از مرد یا
زن عمل صالح انجام داده و مؤمن
به خداوند باشد او را زندگی سعادت مند
(ابدی، بهشت) داده و پاداشی بسیار بیش
از کار نیکی که انجام می دهد عطا
می کنیم.

و آنگاه جلوه نور الهی و درخشش
آن بر مبنای استعداد و ظرفیتی که
خداوند در وجود او قرار داده است به
سهم خود خواهد شد. و پیروان آن علاوه
بر ایمان و عمل باید موانعی را که بر
سر راه اجرای دستورات الهی است،
عواملی که حریت عدالت اجتماعی،
اتفاق، رحمت و محبت بین مسلمین را
نفسی می کنند و اهداف و بینش
استثمارگرانه، ذلت بار، بغی و تجاوز
بناحق به مسلمانان دارند مبارزه کنند.
نمونه مشخص این روحیه در روش رژیم
جنایتکار و نژادپرست اسرائیل است که
تجاوزگریهایش بر ضد مسلمین، مخصوصاً
در فلسطین اشغالی مخالف نص صریح
قرآن مجید است و در قرآن مجید بیان
شده است که شما شدیدترین دشمن
ایمانی تان را یهود و مشرکین می یابید،
آنها که حتی کلام الهی را بعد از درک
صحیح بودن آن منحرف می کنند و
زمانی نمی گذرد که بر خیانت جدیدی
از آنان علیه مسلمین آگاه نشوید (آیاتی
در سوره مبارکه بقره، مائده، توبه).

بنابراین قرائت و درک آیات قرآن
مجید و عمل به آن، علم و آگاهی و
خلاقیت که وسعت یا بی شخصیت فرد،
عبرت گرفتن از تاریخ و بینش آگاهانه
به آینده داشتن را موجب شده و پایه های
استقلال را تحکیم بخشیده و محتاج به
بیگانگان نبودن در امور اساسی و تعیین

کننده حیات جمعی جامعه را سبب
می گردد، رعایت حدود... و تقوا در
همه حالات مخصوصاً در بعد غریزی،
احساس مسئولیت و داشتن اراده برای
عمل صالح، آزادگی عدالتخواهی و
اتفاق گری، مقاومت در برابر دشمنان و
ایشانگری اینها از جمله معیارهای ارزشی
زندگی زندگی مادی و معنوی و
تداوم بخش حیات افتخارآمیز انسانی در
بعد قرآنی است. و برای هر مسلمان
مؤمن اعتقاد به قرآن مجید به عنوان
برترین کتاب الهی و ادراک مفاهیم آن و
عمل بر مبنای محتوای آن بالاترین مراتب
حیات انسانی بوده و کفر بدان به معنی
مرگ است.

خداوندا وجدانمان را بیدار و آگاه
نگهدار و در راه رعایت و حفظ ارزشهای
الهی و پیروی از دستوراتت که در قرآن
مجید مضبوط است استواردار و ملت ما
را به حیات برتر پیوسته راهنمایی فرما.

والسلام علی عبادا... الصالحین

